

**مفاهیم آیه:** اثبات معاد/کم ارزش بودن زندگی دنیوی/ حقیقی بودن زندگی آخرت/ تعریفی از دنیا و آخرت در قرآن.

**آثار اعتقاد به معاد:** ۱- پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می گیرد. این شور و نشاط به این دلیل است که انسان می داند هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی پاداش نمی ماند. اعمالش در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. به دنبال تقدیر و تشکر دیگران نیست، زیرا می داند که خداوند او و تلاش هایش را می بیند. و معتقد است ظالمان در نزد خداوند مجازات می شوند. چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همتی خستگ ناپذیر می شود و از کار خود لذت می برد و در پی خدمت به خلق خداوند است و در نهایت آخرت را زیبا می بیند.

«مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»  
(کسانی که به خداوند و روز قیامت ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می شوند)

**مفاهیم آیه:** اشاره به آثار اعتقاد به معاد/ شرط نترسیدن و غمگین نشدن در دنیا و آخرت ایمان به خدا و روز قیامت و انجام عمل صالح است.

۲- انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. **خداپرستان حقیقی** گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند؛ اما به آن دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند.

**نترسیدن خداپرستان از مرگ** به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته ای کاملتر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

همین عامل (اعتقاد به معاد و نترسیدن از مرگ) سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد. آن گاه که امام حسین در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

چیستی مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسشهای فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم انسانها را به خود مشغول کرده است. درباره زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد: ۱- اعتقاد به معاد ۲- انکار معاد. دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان میدهد که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است.



**پیامبران الهی و پیروان آنان** مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند؛ بلکه آن را **غروبی برای جسم** و تن انسان و **طلوعی** درخشان تر برای **روح انسان** می دانند یا **پلی** به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل میکند. در این دیدگاه **دنیا تنها بخش کوچکی** از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی پس از این **دنیا آغاز** می شود.

رسول خدا در این باره می فرماید: برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه **برای بقا آفریده** شده اید و **با مرگ** تنها از جهانی به جهان دیگر، **منتقل** می شوید. از نظر پیامبر (ص) **باهوش ترین مومنان** کسانی اند که **فراوان** به یاد مرگ اند و **بهتر** از دیگران خود را برای آن **آماده** می کنند.

در دیدگاه پیامبران زندگی دنیوی همچون **خوابی** کوتاه و گذرا بوده است و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می شود. پیامبر (ص) می فرماید: «الْأَنسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا» (مردم (در این دنیا) در خوابند، **هنگامی** که بمیروند، بیدار می شوند).

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَو كَانُوا يَعْلَمُونَ» (این زندگی دنیا، **جز سرگرمی** و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می دانستند).

«من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.» (ارتباط با آیه من آمن بالله/ ارتباط با آیه و ما هذه الحياه الدنيا الا لهو/ ارتباط با شور و نشاط در زندگی)

امام حسین خطاب به یاران خود نیز فرمود: «مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پهناور و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟» (ارتباط با دیدگاه پیامبران در مورد مرگ/ ارتباط با آیه و ما هذه الحياه الدنيا الا لهو)

#### انکار معاد

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می گردد.

«وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست همواره گروهی از ما می میریم و گروهی زنده می شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می کند. البته این سخن را از روی علم نمی گویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است)

مفاهیم آیه: آیه از زبان کافران و منکرین معاد است/ از دید کافران زندگی دنیایی اصل است/ علت نابودی را گذشت روزگار می دانند/ از دید قرآن سخن کافران علمی و عقلی نیست و فقط ظن و خیال باطل است.

#### آثار انکار معاد

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند. عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی ها نخواهد داشت. همین زندگی چندروزه نیز برایشان بی ارزش می شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می شوند و شادایی و نشاط زندگی را از دست می دهند؛ به انواع بیماری های روحی دچار می شوند. روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می افزاید.

\*البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می گیرد. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می دهند و از یاد آخرت غافل می شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.